

## ویژگی های بازیگران سیلما و تئاتر

فاطمه مخزن موسوی / دکتر رسول روشن / دکتر رضا پورحسین<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف اساسی این پژوهش، مقایسه ویژگی های شخصیتی بازیگران حرفه ای سیلما و تئاتر با افراد غیربازیگر، براساس پنج عامل روان نژندگرایی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن، بوده است. بدین منظور ۷۴ آزمودنی بازیگر با ۷۴ آزمودنی غیربازیگر که از لحاظ سن، جنس و تحصیلات با آنها همتا شده بودند، مورد مقایسه قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق، شامل پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات جمعیت شناختی و فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO بوده است. یافته های به دست آمده نشانگر تفاوت معنا داری بین دو گروه بازیگر و غیربازیگر در پنج عامل NEOPI-R نبود. اما این دو گروه در صفات شتابزدگی، آسیب پذیری، قاطع بودن، فعالیت، احساسات، عقاید، اعتماد، نودوستی، همراهی، خویشنداری و محتاط بودن در تصمیم گیری، با یکدیگر متفاوت بودند.

واژه های کلیدی: بازیگر حرفه ای، عوامل پنجگانه شخصیت، روان نژندگرایی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن، با وجدان بودن.

### Abstract

The aim of this study was making a comparison between the personality characteristics of professional movie and theatre actors and non - acting persons in terms of five factors that is, neuroticism, extraversion, openness, agreeableness and

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روانشناسی بالینی تلفن ۰۲۱۳۳۵۱۶۴۹۴-۰۹۱۲۵۱۶۸۹۱۲

<sup>۲</sup> دکتر رسول روشن دانشیار دانشگاه شاهد

<sup>۳</sup> دکتر رضا پورحسین دانشیار دانشگاه تهران

conscientiousness. 74 actors and actresses were compared with non - acting subjects matched with each other from the viewpoints of age, sex and education. The instruments used for this research were author - tailored demographic questionnaire and the revised NEO personality inventory and the aforesaid test would measure five main factors with six facets under each factor. The findings indicated no significant difference for five factors on the NEO between the two acting and non - acting groups. However, the two groups were different from each other in facets of impulsiveness, vulnerability, assertiveness, activity, feelings, ideas, trust, altruism, compliance, self - discipline and deliberation. That is to say, acting people obtained higher scores in facets of vulnerability, ideas, altruism and compliance. Furthermore, no significant difference was observed between acting males and females in any five factors. However, they were different from each other in facets of altruism and tender - mindedness. Actors obtained higher scores in facet of altruism while actresses in tender - mindedness.

**Key words:** Professional actor, five factors of personality, Neuroticism, Extraversion, Openness, Agreeableness, Conscientiousness

## پرسشها

- بازیگران حرفه ای سینما و تئاتر چه کسانی هستند؟
- ویژگیهای برتر در بازیگران چیست؟
- میان ویژگیهای بازیگران با غیر بازیگران چه تفاوت‌هایی است؟

## مقدمه

مفهوم شخصیت در روانشناسی یک مفهوم رایج و معمول، در عین حال فوق العاده غامض و پیچیده است. هر انسان آمیزه ای از سه ویژگی نوعی، فرهنگی و فردی را در خود دارد و مجموعاً کلیت منحصر به فردی را تشکیل می دهد. کلیت مفهوم، و به همین لحاظ پیچیدگی آن، موجب شده است که واژه «شخصیت» به شیوه های مختلفی تعریف شود. آلپورت (۱۹۴۹) در این باره به جمع آوری و ذکر پنجاه تعریف متفاوت پرداخته است، مع ذلک این تفاوتها مربوط به اصل موضوع شخصیت نیست، بلکه متوجه مفهومی است که از آن ساخته اند، و در نتیجه منعکس کننده ناهمگرایی های نظری مؤلفان است.

بعضی از روانشناسان شخصیت، به جنبه های بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی شخصیت، برخی به عکس العمل های رفتاری و رفتارهای مشهود، برخی به فرایندهای ناهشیار رفتار آدمی و برخی به ارتباطهای متقابل افراد با یکدیگر و نقشهایی که در جامعه بازی می کنند توجه نموده و شخصیت را بر همان مبنا تعریف کرده اند. بنابراین، دامنه تعاریف از فرایندهای درونی ارگانیک تا رفتارهای مشهود ناشی از تعامل افراد، در نوسان است.

اما شخصیت در مفهوم کلی خود باید شامل قواعد مربوط به کنشهای منحصر به فرد افراد و قواعد مشترک بین آنها، جنبه های پایدار و تغییرناپذیر کنش انسان و جنبه های ناپایدار و تغییرپذیر آن، جنبه های شناختی (فرایندهای تفکر)، جنبه های عاطفی (هیجانات) و جنبه های رفتاری فرد باشد. همین امر موجب می شود که ارائه تعریف جامعی که مورد توافق همه اندیشمندان در زمینه روانشناسی شخصیت باشد غیرممکن شود. در لغتنامه وارن تعریف شخصیت چنین آمده است: شخصیت به جنبه های عقلی، عاطفی، انگیزشی و فیزیولوژیکی یک فرد گفته می شود. به عبارت دیگر، به مجموعه مؤلفه هایی که انسان را سرپا نگه می دارد شخصیت گفته می شود. در این تعریف مجموعه عوامل در کنار هم قرار داده شده اما اشاره ای به یکپارچگی این عوامل و پویایی آنها نشده است. آپورت، سازمان دهی پویای نظامهای روانی فیزیولوژیکی درون فرد که رفتار و افکار شخص را تعیین می کند، شخصیت می نامد. در این تعریف، به یک عامل مهم یعنی سازمان یابی عوامل تشکیل دهنده شخصیت اشاره شده اما جنبه های رفتاری و فکری انسان از هم متمایز گردیده است، درحالی که این امر با مفهوم رفتار از نظر روانشناسی مغایر است. شلدون، پویا بودن شخصیت را در تعریف خود مطرح نموده و چنین عنوان می کند که شخصیت سازمان پویای جنبه های ادراکی و انفعالی و ارادی و بدنی (شکل بدن و اعمال حیاتی بدن) فرد آدمی است. پیرون وحدت یافتگی را همراه با جنبه های متمایز در تعریف خود برجسته می کند، بدین صورت که شخصیت به وحدت یافتگی تام و تمام یک فرد همراه با ویژگی های افتراقی دایم مثل هوش و مزاج و رفتار گفته می شود. کسل از مقوله محتوایی در شخصیت خارج شده و جنبه کاربردی شخصیت

را در تعریف خود عنوان می‌کند. به اعتقاد او، شخصیت، آن چیزی است که امکان پیش بینی آنچه را که یک شخص در موقعیتی معین انجام خواهد داد، می‌دهد. هیلگارد در تعریف خود، از کلیت شخصیت فاصله گرفته و نوعی برگشت به قوای ذهنی را در تعریف خود نشان داده است. تعریف او از شخصیت، عبارت است از الگوهای رفتار و شیوه های تفکر که سازگاری فرد با محیط را تعیین می‌کنند.

در نظامهای تحولی نیز که فرایند تحول در آنها کاذب است، نکات قابل توجهی وجود دارد. به عنوان مثال، فریود شخصیت را در مراحل اول فاقد جنبه های روانی می‌داند و لذا تکمیل و تکامل آن را به سالهای بعد موکول می‌کند، درحالی که والن بحران شخصیت را به سه سالگی تنزل می‌دهد. با وجود این می‌توان شخصیت را در قالب تحول نگریست. در نظام تحولی، از ابتدا تا انتهای یک فرایند مدنظر قرار می‌گیرد. در این صورت شخصیت تمام مؤلفه های تحول را شامل خواهد شد و اگر تمام این مؤلفه ها را برای سازش یافتن با محیط در نظر بگیریم، سازش از جنبه خاص و در موقعیت ویژه یک امر جزئی است اما اگر سازش کلی مطرح باشد می‌توان آن را به عنوان شخصیت مطرح ساخت، در این صورت شخصیت چنین تعریف می‌شود: شخصیت عبارتست از تمام ظرفیتهای فراگیر فرد در سازگاری با محیط.

از جمله ابعاد فراوانی که تفاوت‌های فردی در آنها دیده می‌شود ابعاد مربوط به شخصیت هستند. اگرچه نظریه پردازان شخصیت درباره صفت یا ابعادی از شخصیت که بیشترین اهمیت را دارد، دیدگاههای متفاوتی داده اند، همه آنها به طور کلی بر این مطلب توافق دارند که صفات شخصیتی نه تنها به صورت سرشتهای نیمه دائمی مربوط به شیوه ای خاص از احساس و رفتارند بلکه به تفاوت‌های فردی در جنبه های هیجانی، انگیزشی و عقلی نیز مربوط می‌شوند. اگرچه این حکم به طور کلی صحیح نیست که به تعداد صفات شخصیتی ابعاد شخصیتی وجود دارد، ولی گاهی به نظر می‌رسد این سخن سهمی از درستی را داراست. صدها و بلکه هزاران ابعاد شخصیتی تا کنون فرض یا مطرح شده، اما بسیاری از آنها همپوشی قابل ملاحظه ای دارند.

از میان رویکردهای مختلف به شخصیت، رویکرد صفت سریعترین رشد را در پژوهش شخصیت داشته است و بسیاری از پژوهشگران آن را برای شناخت شخصیت بسیار مهم می دانند. بنابراین، اگر صفات نشان دهنده پایه های اصلی شخصیت باشند، در این صورت باید پرسید که چند صفت داریم و چه صفاتی وجود دارند. این سؤال چندان واضح نیست، زیرا تعداد صفات مورد نظر آیزنک و کتل از یکدیگر متفاوت است و هر صفت، دست کم تا حدودی، ممکن است با توجه به نوع اطلاعات به کار رفته و سن گروه مورد مطالعه تغییر کند. در سال ۱۹۶۳، مطالعه ای در تحلیل عاملی توسط نورمن گزارش شد که به عنوان مبنایی برای پژوهشهای بعدی قرار گرفت. در تحقیقات قبلی آلپورت، کتل و دیگران، از درجه بندی همسالان استفاده شد و پنج عامل عمده بدست آمد که بعداً به همین نام شهرت یافت. این عوامل به عنوان نشانه ای در تحقیقات مربوط به صفات مورد استفاده قرار گرفت. پژوهشهای بعدی که با استفاده از اطلاعات پرسشنامه ای و درجه بندی انجام گرفت، به عوامل مشابهی دست یافت. تنها استثنا در این مورد، این عقیده است که صفت فرهنگ، بهتر است به مفهوم پذیرابودن تجارب جدید تعریف شود.

براین اساس، رابرت مک کری و پل کوستا نظریه معروف پنج عاملی را در شخصیت مطرح کرده اند و سعی دارند همگرایی رویکردهای گوناگون را حول این محور به اثبات رسانند. این پنج عامل شامل روان نژندگرایی، برون گرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن، می باشد.

از سوی دیگر، با آنکه تلاشهای فراوانی برای شناخت هنر و هنرمند صورت گرفته است، با اینحال ابعاد شخصیت هنرمندان و بخصوص بازیگران، هنوز هم ناشناخته باقی مانده است. منتقدان آثار هنری روز به روز بیشتر می شوند اما اغلب فراموش می کنند که در ذهن آفرینندگان آن آثار چه می گذرد.

شکی نیست که هنر امری است روانی و برای شناخت هنر باید کوشش کنیم که روان هنرمند را درسیابیم، و این وظیفه را کاملاً از همه، زیگموند فروید و شاگردان او انجام داده اند. پس از روانکاوی، مطالعه در مورد هنرمندان متوقف نشده و روانشناسان در

بررسی های خود هر بار به نکات جالب و جدیدی در مورد شخصیت هنرمندان می رسند.

به نظر می رسد، زودرنجی، عصبانیت، ترحم و دلسوزی، لذت نبردن از زندگی خصوصی، عدم درک دیگران و غیرقابل درک بودن برای دیگران، جزء جنبه های مشترک رفتارهای تمامی هنرمندان باشد. هنرمند بواسطه موقعیت، شیوه زندگی و حرفه خاص دارای مشکلات ویژه ای می باشد. برخلاف سایر افراد که عواطفشان با حرفه آنها دارای رابطه نزدیک نیست، زندگی عاطفی هنرمند دارای ارتباط بسیار نزدیکی با موقعیت وی می باشد. غالباً خود هنرمند از این حقیقت که کوشش وی برای تامین زندگی و کسب هویت هنرمندانه و عدم موفقیت وی در توأم نمودن یک زندگی آفریننده با یک زندگی عادی سرچشمه اضطراب، افسردگی، عداوت، خستگی، انزوا، اختلالات بدنی و آشفتگی جنسی و خواب وی می باشد، غافل است.

پژوهشهای مختلف روانشناسان، رابطه شخصیت هنرمند و آثار هنری را بسیار قوی و راهگشا می دانند. مرور ادبیات پژوهشی در مورد ویژگی های شخصیتی هنرمندان، نتایج مشترک و برخی نتایج اختصاصی را آشکار می سازد. به عنوان نمونه، نوواکوسکا و همکاران در سال ۲۰۰۴ در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که فارغ التحصیلان رشته های هنری (نقاشی، عکاسی، مجسمه سازی، ...) در مقایسه با افراد عادی در ابعاد روان نژندگرایی و انعطاف پذیری پرسشنامه NEOPI-R نمرات بیشتر و در بعد با وجدان بودن، نمرات کمتری کسب کردند. در مطالعه دیگری، فرهنگ و چامورو در سال ۲۰۰۴، ارتباط بین صفات شخصیتی (پنج بزرگ)، هوش و تجربه هنری قبلی را ارزیابی کردند و به این نتیجه رسیدند که انعطاف پذیری نسبت به تجارب، بطور معناداری با تجربه هنری قبلی مرتبط است. همچنین، مطالعه ای که توسط برت در سال ۱۹۳۳ انجام گرفت، آشکار کرد که تمایل هنری با متغیرهای شخصیتی نظیر برون گرایی، اضطراب و محافظه کاری همراه است. فرهنگ و والکر نیز در سال ۲۰۰۱، در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که انعطاف پذیری و هیجان خواهی با تجربه بیشتر هنر همراه اند. همچنین، رالینگز و همکاران در سال ۲۰۰۰، در پژوهشی دریافتند که در میان عوامل پنج بزرگ، انعطاف

پذیری نسبت به تجربه، پیش بینی کننده عمده تمایل هنری می باشد در ایران نیز، در پژوهشی که توسط فتحی انجام شد، گرایش به گسیخته خویی، در میان دانشجویان رشته های هنری در هفت رشته تحصیلی نمایش، نقاشی، گرافیک، مجسمه سازی، موسیقی، معماری و عکاسی، بیش از سایر دانشجویان بود. همچنین نوروزگرایی عمومی، سلطه جویی، داشتن خلق نارس، حساسیت هیجانی، کولی گری و بنیادگرایی، براساس یافته های این مطالعه در دانشجویان رشته های هنری، بیش از سایر دانشجویان بود.

نهایتاً، باتوجه به تاثیر مستقیم شخصیت بر رفتار و اینکه بازیگران واجد کنشها و نقشهای تردید ناپذیری در زندگی اجتماعی هستند و بخشی از میراث فرهنگی جامعه، زاده اندیشه و رفتار آنها می باشد، شناخت استعدادها و ویژگی های شخصیتی آنها، بسیار ضروری به نظر می رسد.

بازیگر کیست؟ آیا عناصری بنیادین و منحصر به فرد در شخصیت بازیگر وجود دارد که او را از دیگران متمایز می سازد؟ در صورتیکه پاسخ مثبت است آیا این عنصر و رگه قابل شناسایی و تبیین است؟ پاسخهایی که به پرسشهای مذکور داده شده، غالباً پاسخهایی کلی و گاه مبهم بوده است و تفسیرهایی که از بازیگری شده اغلب جنبه روانشناختی آنرا نادیده گرفته است. در کشور ما، مطالعه ویژگی های شخصیتی بازیگران به گونه ای روشمند و علمی تا کنون به تعویق افتاده است. بدین خاطر، مسئله اساسی تحقیق حاضر بررسی ویژگی های شخصیتی بازیگران حرفه ای سینما و تئاتر بوده که در این مطالعه، مقایسه ویژگی های شخصیتی در دو گروه بازیگر و غیربازیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن، ویژگی های شخصیتی زنان و مردان بازیگر، زنان بازیگر و غیربازیگر، و مردان بازیگر و غیربازیگر نیز مورد مقایسه قرار گرفته است.

## روش

## الف) آزمودنی ها

جامعه آماری: جامعه آماری تحقیق حاضر دربرگیرنده تمامی بازیگران سینما، تئاتر و تلویزیون که در خانه سینما عضویت دارند، بوده است که تعدادشان ۸۴۵ نفر است.

نمونه تحقیق: آزمودنی های پژوهش حاضر براساس روش نمونه گیری در دسترس، انتخاب گردیده اند. گروه نمونه مورد بررسی در این تحقیق ۷۴ نفر از بازیگران (۴۳ مرد و ۳۱ زن) که در خانه سینما عضویت دارند، بوده اند و نمونه گروه گواه نیز به تعداد ۷۴ نفر، به طور تصادفی انتخاب شده و از لحاظ سن و جنس و تحصیلات با آنها همتا شدند.

## ب) ابزار های تحقیق

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات جمعیت شناختی و فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO (NEOPI-R) که در ذیل به ویژگی های هرکدام به طور جداگانه اشاره خواهیم داشت.

## ب - ۱) پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات جمعیت شناختی

در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات جمعیت شناختی در مورد متغیرهایی مانند جنسیت، سن، وضعیت تاهل، تحصیلات، تعداد اعضای خانواده، سابقه کار و... استفاده شده است.

## ب - ۲) فرم تجدید نظر شده پرسشنامه شخصیتی NEO (NEOPI-R)

این پرسشنامه، پنج عامل اصلی شخصیت و شش صفت در هر عامل را اندازه می گیرد. این دو جنبه تست یعنی پنج عامل اصلی و ۳۰ صفت آن ارزیابی جامعی از شخصیت بزرگسال ارائه می دهد. این تست دارای دو فرم، S برای گزارشهای شخصی و R برای درجه بندیهای مشاهده گر می باشد. فرم S شامل ۲۴۰ سؤال پنج درجه ای است که توسط خود افراد درجه بندی می شود و مناسب مردان و زنان در تمام سنین می باشد.



فرم R نیز دارای همان ۲۴۰ سؤال بوده و با ضمیر سوم شخص شروع می شود و برای درجه بندی افراد توسط همسر، همسال و یا کارشناسان به کار می رود. فرم R می تواند به طور مستقل برای ارزیابی به کار رود و یا به عنوان مکملی برای گزارشهای شخصی یا اعتبار آن مورد استفاده قرار گیرد. تست NEOPI-R جانشین تست NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط پائول تی. کوستا و رویرت آر. مک کری تهیه شده بود. تست NEO مقیاسهای تجربه شده ای برای اندازه گیری صفات N (نوروتیسم)، E (برون گرایسی) و O (انعطاف پذیری) داشت. اما برای دو عامل دیگر یعنی A (دلپذیر بودن) و C (باوجدان بودن) مقیاسهای کلی داشت. در سال ۱۹۸۹ چند سؤال اضافی به استفاده کنندگان این تست پیشنهاد شد اما پرسشنامه بدون تغییر باقی ماند. تست NEOPI-R ین نارساییها را با اضافه کردن مقیاسهایی برای صفات فرعی دو عامل A و C که قبلا فقط عوامل اصلی را ارزیابی می نمود و صفات فرعی به طور ضمنی در آن عوامل بودند، برطرف می کند. علاوه بر آن ۱۰ سؤال دیگر نیز از سؤالات متغیرهای E، N و O تغییر یافت تا صفات آن عوامل وضوح بیشتری یابد.

شیوه پاسخ دهی به پرسشنامه حاضر به صورت انتخاب گزینه های کاملا مخالف تا کاملا موافق می باشد، که برای نمره گذاری به کاملا مخالف، نمره ۴، به مخالف، نمره ۳، به بی نظری، نمره ۲، به موافق، نمره ۱ و به کاملا موافق، نمره ۰ تعلق می گیرد. البته برخی از سؤالات این تست به صورت معکوس نمره گذاری می شوند.

بررسی های گوناگون در گروههای سنی مختلف حاکی از اعتبار و پایایی پرسشنامه NEOPI-R است. کوستا و مک کری (۱۹۸۸) یک مطالعه طولی ۶ ساله روی مقیاسهای E، N و O ضریبهای پایایی ۰/۷۸ تا ۰/۸۳ را هم در گزارشهای شخصی و هم در گزارشهای زوجها نشان داده اند. ضریبهای پایایی دو عامل A و C به فاصله ۳ سال ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است [۱۶]. همچنین کوستا و مک کری (۱۹۹۲) در یک مطالعه طولی ۷ ساله از ارزیابیهای همسالان که در آن کل تست به کار رفته بود، ضریبهای پایایی بین ۰/۸۲ تا ۰/۵۱ برای ۱۸ صفت فرعی E، N و O، ۰/۸۱ تا ۰/۶۳ برای عوامل اصلی پنجگانه در مردان و زنان به دست داده اند.

برای هنجاریابی آزمون NEOPI-R با انجام چند مرحله پژوهش مقدماتی فرم فارسی آن بر نمونه‌ای از جمعیت شیراز روی ۵۰۲ نفر اجرا گردید. بررسی ثبات درونی مقیاسها و ضرایب همبستگی میان آنها نشان دهنده همبستگی بالای هریک از شاخص‌ها با مقیاس مربوطه و عدم وجود همبستگی مثبت قابل توجه با شاخص‌های مرتبط با مقیاسهای دیگر بود. بازآزمایی با میانگین ۶۷ ماه بر روی ۲۶ مورد نیز ضریب همبستگی بین ۵۳/۰ تا ۸۶/۰ را برای ابعاد آزمون نشان داد. همچنین گروسی فرشی (۱۳۷۷) در نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز و شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر، ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۵۶/۰ تا ۸۷/۰ گزارش کرده است.

### ج) شیوه تحلیل یافته‌ها

در این تحقیق علاوه بر استفاده از آمار توصیفی، از آزمون مقایسه میانگین‌های گروه‌های مستقل (t استودنت) و تحلیل واریانس دو راهه نیز استفاده شده است.

### نتایج

به منظور ارزیابی اثرهای بازیگری و جنسیت بر هریک از عوامل پنجگانه، تحلیل واریانس دو راهه (۲×۲) انجام گرفت. نتایج حاصل در جدولهای ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ درج شده است و نشان می‌دهد که اثر متقابل معناداری بین بازیگری و جنسیت بر هیچ یک از عوامل پنجگانه وجود ندارد.

جدول ۱ تحلیل واریانس دوره‌ها بین جنسیت و بازیگری با مقیاس روان

نژندگرای

منبع	مجموع مجذورات نوع III	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری
بازیگری	۱۷۴ / ۰۰۲	۱	۱۷۴ / ۰۰۲	۱ / ۴۷۶	۰ / ۲۲۶
جنسیت	۱۲ / ۷۳۴	۱	۱۲ / ۷۳۴	۰ / ۱۰۸	۰ / ۷۴۳
بازیگری × جنسیت	۵۱ / ۶۷۸	۱	۵۱ / ۶۷۸	۰ / ۴۳۸	۰ / ۵۰۹

جدول ۲ تحلیل واریانس دوره‌ها بین جنسیت و بازیگری با مقیاس برونگرای

منبع	مجموع مجذورات نوع III	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری
بازیگری	۱۹۰ / ۹۶۹	۱	۱۹۰ / ۹۶۹	۱ / ۷۸۶	۰ / ۱۸۳
جنسیت	۱۴۸ / ۰۲۶	۱	۱۴۸ / ۰۲۶	۱ / ۳۸۵	۰ / ۲۴۱
بازیگری × جنسیت	۳ / ۲۹۳	۱	۳ / ۲۹۳	۰ / ۰۳۱	۰ / ۸۶۱

جدول ۳ تحلیل واریانس دوره‌ها بین جنسیت و بازیگری با مقیاس انعطاف پذیری

منبع	مجموع مجذورات نوع III	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری
بازیگری	۴ / ۸۵۸	۱	۴ / ۸۵۸	۰ / ۰۳۹	۰ / ۸۴۳
جنسیت	۰ / ۲۱۷	۱	۰ / ۲۱۷	۰ / ۰۰۲	۰ / ۹۶۷
بازیگری × جنسیت	۲۴ / ۱۵۵	۱	۲۴ / ۱۵۵	۰ / ۱۹۵	۰ / ۶۵۹

جدول ۴ تحلیل واریانس دوره‌ها بین جنسیت و بازیگری با مقیاس دلپذیر بودن

منبع	III مجموع مجذورات نوع	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Fنسبت	سطح معناداری
بازیگری	۱۲ / ۷۳۴	۱	۱۲ / ۷۳۴	۰ / ۱۲۲	۰ / ۷۲۷
جنسیت	۲۵۳ / ۴۳۷	۱	۲۵۳ / ۴۳۷	۲ / ۴۳۵	۰ / ۱۲۱
بازیگری × جنسیت	۳۴۲ / ۴۱۰	۱	۳۴۲ / ۴۱۰	۳ / ۲۹۰	۰ / ۰۷۲

جدول ۵ تحلیل واریانس دوره‌ها بین جنسیت و بازیگری با مقیاس با وجدان بودن

منبع	III مجموع مجذورات نوع	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Fنسبت	سطح معناداری
بازیگری	۳۳۸ / ۳۱۰	۱	۳۳۸ / ۳۱۰	۳ / ۱۴۴	۰ / ۰۷۸
جنسیت	۴ / ۷۸۹	۱	۴ / ۷۸۹	۰ / ۰۴۶	۰ / ۸۳۱
بازیگری × جنسیت	۳۹ / ۷۹۶	۱	۳۹ / ۷۹۶	۰ / ۳۸۱	۰ / ۵۳۸

جدول ۶ تفاوت دو گروه در ۳۰ صفت پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R

تفاوت میانگینها	سطح معناداری	درجه آزادی	t	غیر بازیگر		بازیگر		صفات شخصیتی
				انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱/۰۸	۰/۱۱۳	۱۳۵/۳۹۰	۱/۴۰۳	۵/۳۰۳	۱۴/۶۴	۳/۹۷۸	۱۵/۷۲	اضطراب
۰/۹۲	۰/۲۱۸	۱۴۶	۱/۳۳۶	۴/۳۲۲	۲۰/۷۶	۴/۷۱۱	۲۶/۶۸	پر خاشاکی
۱/۱۲	۰/۱۴۴	۱۴۶	۱/۴۶۹	۴/۷۳۵	۱۴/۸۴	۴/۵۶۴	۱۵/۹۶	افسردگی
-۰/۹۳	۰/۱۶۷	۱۴۶	-۱/۳۸۸	۴/۵۱۴	۲۰/۱۹	۳/۶۱۱	۱۹/۳۶	کمرویی
-۱/۵۹	۰/۱۰۰	۱۴۶	-۲/۳۲۲	۳/۶۳۷	۲۰/۹۵	۳/۷۶۱	۱۹/۳۵	شناختندگی
۱/۸۰	۰/۰۱۷	۱۴۶	۲/۴۱۶	۴/۵۱۲	۱۳/۴۵	۴/۵۳۸	۱۴/۲۴	آسب پذیری
۰/۴۶	۰/۵۷۹	۱۴۶	۰/۵۵۶	۵/۱۷۴	۱۶/۳۲	۴/۸۷۲	۱۶/۷۸	گرمی
۱/۳۱	۰/۰۸۲	۱۴۶	۱/۷۴۹	۴/۷۴۵	۲۰/۳۸	۴/۳۳۷	۲۱/۶۹	گروه گرایی
-۲/۷۰	۰/۰۰۱	۱۳۸/۱۸۰	-۳/۵۳۸	۳/۶۹۰	۲۲/۳۱	۵/۴۵۹	۱۹/۶۱	قاطع بودن
-۲/۵۱	۰/۰۰۱	۱۴۶	-۳/۵۰۲	۴/۳۹۲	۱۹/۴۷	۴/۳۴۰	۱۶/۹۶	فعالیت
۰/۶۵	۰/۳۹۵	۱۴۶	۰/۸۵۳	۴/۹۴۶	۱۵/۹۵	۴/۳۷۸	۱۶/۵۹	هیجان خواهی
۰/۴۵	۰/۵۴۲	۱۴۶	۰/۶۱۱	۴/۴۴۸	۱۵/۶۶	۴/۴۳۱	۱۶/۶۱	هیجانهای مثبت
۱/۳۳	۰/۰۶۴	۱۴۶	۱/۸۳۳	۳/۸۰۸	۱۷/۵۳	۴/۲۱۳	۱۸/۷۶	تخیل
-۰/۹۶	۰/۰۹۷	۱۴۶	-۱/۷۱۱	۳/۱۲۰	۲۱/۶۶	۳/۸۳۱	۲۰/۷۰	زیبا پندگی
-۲/۱۹	۰/۰۰۴	۱۴۶	-۲/۹۰۷	۴/۳۷۸	۲۴/۱۶	۴/۸۶۵	۲۱/۹۷	احساسات
۰/۰۹	۰/۸۸۲	۱۴۶	۰/۱۴۸	۴/۳۳۸	۱۶/۹۶	۳/۴۸۳	۱۷/۰۵	اصالت
۱/۳۴	۰/۰۲۴	۱۴۶	۲/۳۷۹	۳/۷۰۰	۱۷/۱۵	۳/۴۳۷	۱۸/۴۹	عقاید
-۰/۰۱	۰/۹۸۳	۱۴۶	-۰/۱۲۲	۳/۸۳۴	۱۴/۶۵	۳/۷۵۵	۱۴/۶۴	ارزشها
-۲/۱۹	۰/۰۰۴	۱۴۶	-۲/۹۴۴	۴/۲۴۰	۱۸/۱۴	۴/۷۸۸	۱۵/۹۵	اعتماد
-۰/۴۹	۰/۵۳۱	۱۴۶	-۰/۳۲۹	۴/۴۳۸	۲۱/۱۶	۴/۹۶۰	۲۰/۶۸	رک گوئی
۱/۷۰	۰/۰۲۸	۱۴۶	۲/۳۲۴	۴/۶۰۱	۱۳/۱۱	۴/۷۱۳	۱۴/۸۱	نوع دوستی
۲/۷۲	۰/۰۰۰	۱۴۶	۴/۱۱۲	۴/۱۷۵	۱۵/۵۵	۳/۸۵۵	۱۸/۲۷	همراهی
-۰/۸۰	۰/۱۹۹	۱۴۶	-۱/۳۸۹	۳/۵۳۴	۱۹/۹۷	۳/۹۷۷	۱۹/۱۸	تواضع
-۰/۸۵	۰/۲۱۲	۱۳۰/۳۸۰	-۱/۲۵۵	۳/۳۳۵	۱۷/۴۳	۴/۷۸۶	۱۶/۵۸	دلرغم بودن
-۱/۲۲	۰/۰۷۳	۱۴۶	-۱/۸۰۶	۴/۲۹۶	۱۹/۳۸	۳/۸۸۵	۱۸/۱۶	کفایت
۰/۲۲	۰/۶۶۰	۱۴۶	۰/۴۴۱	۵/۰۳۰	۱۲/۳۶	۳/۸۴۶	۱۲/۶۹	نظم و ترتیب
۱/۲۲	۰/۰۸۵	۱۴۶	۱/۷۳۳	۴/۴۵۲	۱۸/۱۱	۴/۰۷۸	۱۹/۳۳	وظیفه شناسی
۰/۱۱	۰/۸۵۸	۱۳۴/۱۶۱	۰/۱۷۹	۳/۰۷۴	۱۷/۳۹	۴/۱۷۵	۱۷/۵۰	تلاش برای موفقیت
-۱/۴۵	۰/۰۱۳	۱۴۶	-۲/۵۰۴	۳/۳۶۰	۲۱/۸۰	۳/۷۴۷	۲۰/۳۵	خواب نداشتاری
-۲/۱۸	۰/۰۰۸	۱۴۶	-۲/۱۹۶	۴/۹۹۹	۲۰/۴۶	۴/۸۱۶	۱۸/۳۸	مخاطب در تصمیم گیری

## یافته های مربوط به t

مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین های مربوط به دو گروه بازیگر و غیربازیگر در مورد ۳۰ صفت پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R در جدول ۶، نشان می دهد که دو گروه بازیگر و غیربازیگر در صفات شتابزدگی، آسیب پذیری، قاطع بودن، فعالیت، احساسات، عقاید، اعتماد، نودوستی، همراهی، خویشنداری و محتاط بودن در تصمیم گیری، به صورت معناداری با یکدیگر متفاوت اند.

نتایج مربوط به t مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین های مربوط به دو گروه زن بازیگر و غیربازیگر در مورد ۳۰ صفت پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R نشان می دهد که این دو گروه در صفات گروه گرایی، قاطع بودن، فعالیت، همراهی و تلاش برای موفقیت، به صورت معناداری با یکدیگر متفاوت اند. ولی t های مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین نتایج دو گروه زن بازیگر و غیربازیگر، در ۵ عامل پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R دارای تفاوت معنادار نیستند.

یافته های مربوط به t مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین های مربوط به دو گروه مرد بازیگر و غیربازیگر در مورد ۳۰ صفت پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R نشان می دهد که این دو گروه در صفات اضطراب، آسیب پذیری، قاطع بودن، احساسات، عقاید، اعتماد، همراهی، دلرحم بودن، خویشنداری و محتاط بودن در تصمیم گیری، به صورت معناداری با یکدیگر متفاوت اند. همچنین، نتایج مربوط به t مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین های مربوط به دو گروه مرد بازیگر و غیربازیگر در مورد ۵ عامل پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R نشان می دهد که تفاوت معناداری در مورد عامل با وجدان بودن، وجود دارد.

یافته های مربوط به t مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین های مربوط به دو گروه بازیگر زن و مرد در مورد ۳۰ صفت پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R نشان می دهد که دو گروه بازیگر زن و مرد در صفات نودوستی و دلرحم بودن، به صورت معناداری با یکدیگر متفاوت اند. ولی، t های مشاهده شده ناشی از مقایسه میانگین نتایج

دو گروه بازیگر زن و مرد، در ۵ عامل پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R، دارای تفاوت معنادار نیستند.

### نتیجه گیری

یافته های به دست آمده در این پژوهش در ۴ محور قابل تفسیرند. محور نخست، خود در پنج بخش قابل بررسی است. براساس نتایج بخش یک، بین افراد بازیگر حرفه ای و غیربازیگر در عامل روان نژندگرایی تفاوت وجود ندارد. البته بررسی های دقیقتر نشان می دهد که دو گروه بازیگر و غیربازیگر در صفات شتابزدگی و آسیب پذیری عامل روان نژند گرایی، با یکدیگر متفاوتند. افراد غیربازیگر در صفت شتابزدگی نمره بیشتری بدست آوردند و افراد بازیگر در صفت آسیب پذیری نمره بیشتری کسب کردند. یافته اخیر بر اعتقاد فروید مبنی بر اینکه هنرمند اغلب حساس و درونگراست ولی نوروز شرط خلاقیت هنری نیست، مهر تایید می زند. افراد با نمرات بالا در آسیب پذیری، در مقابله با استرس، احساس ناتوانی می کنند. این افراد وقتی با یک موقعیت اضطراری مواجه می شوند وابسته، ناامید و هراسناک می شوند. این احساس ناتوانی، ترس و وابستگی بازیگران در مقابله با استرس، با مفهوم سازی رانک مبنی بر اینکه هنرمند متحمل رنج ناشی از جدایی از توده مردم عادیست و از طریق فن خود، آرزوهای وابستگی کودکانه و ترس از مرگ را حل کرده و از طریق آثار خود، به نوعی جاودانگی دست می یابد، همخوانی دارد. مطالعه نوواکوسکا و همکاران نشان داده است که فارغ التحصیلان رشته های هنری در مقایسه با افراد عادی در بعد روان نژندگرایی، نمرات بیشتری کسب کردند. این یافته گرچه تفاوت دو گروه را در عامل کلی روان نژندگرایی نشان می دهد ولی می توان یافته پژوهش حاضر را که در آن دو گروه بازیگر و غیربازیگر در دو صفت از عامل روان نژندگرایی متفاوتند، تا حدودی همخوان با مطالعه ییاد شده، در نظر گرفت. تمایز این دو مطالعه ممکن است ناشی از این امر باشد که در مطالعه نوواکوسکا و همکاران، آزمودنی ها فارغ التحصیلان رشته های مختلف هنری بودند و اغلب آزمودنی ها، هنرمندان حرفه

ای نبودند. همچنین آنها، نماینده رشته های مختلف هنری بودند و ویژگی های شخصیتی ممکن است در رشته های هنری مختلف، متفاوت باشد. یافته های مربوط به بخش دو از محور نخست این پژوهش، نشان می دهند که بین افراد بازیگر حرفه ای و غیربازیگر در عامل برون گرایی تفاوت وجود ندارد. بررسی های دقیقتر، تفاوت دو گروه بازیگر و غیربازیگر در صفات قاطع بودن و فعالیت را نشان می دهد. به نحوی که افراد غیربازیگر در مقایسه با افراد بازیگر در این صفات نمرات بیشتری بدست آوردند. این یافته با مطالعات نوواکوسکا و همکاران، فرنهام و چامورو، فرنهام و والکر و رالینگز و همکاران، همسو می باشد.

نتایج بخش سوم، نشان می دهند که بین افراد بازیگر حرفه ای و غیربازیگر در عامل انعطاف پذیری تفاوت وجود ندارد. بررسی های دقیقتر این امر نشان می دهد که دو گروه بازیگر و غیربازیگر در صفات احساسات و عقاید، با یکدیگر متفاوتند. افراد غیربازیگر در صفت احساسات نمرات بیشتر و افراد بازیگر در صفت عقاید، نمرات بیشتری بدست آوردند. کنجکاوی ذهنی جنبه ای از انعطاف پذیری است که از قدیم شناخته شده است. این صفت نه تنها به صورت پیگیری فعال علایق ذهنی، به خاطر خودشان دیده می شود بلکه به صورت فراخ اندیشی و علاقه به در نظر گرفتن عقاید جدید و احتمالاً غیرمعمول نیز دیده می شود. نمره بالای بازیگران در این مقیاس، تا حدودی با عقیده الکساندر توماس، که معتقد است هنرمند، فردیست با حساسیت و آگاهی عمیق نسبت به دنیایی که در آن زندگی می کند، همسو می باشد. مطالعات نوواکوسکا و همکاران، فرنهام و چامورو، فرنهام و والکر و رالینگز و همکاران، همگی نشان دادند که انعطاف پذیری نسبت به تجربه، پیش بینی کننده عمده تمایل هنری می باشد. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر افراد بازیگر و غیربازیگر در دو صفت احساسات و عقاید عامل انعطاف پذیری، با یکدیگر تفاوت دارند، می توان نتایج حاصل از این مطالعه را تا حدودی همسو با یافته های مطالعات ذکر شده، در نظر گرفت. تمایز این مطالعه با پژوهش های یاد شده، چنانکه در مورد یافته های بخش نخست عنوان شد،



ممکن است ناشی از حرفه ای نبودن هنرمندان در مطالعات ذکر شده و حضور آنها در رشته های هنری، غیر از بازیگری باشد.

یافته های مربوط به بخش چهارم محور نخست، نشان می دهند که بین افراد بازیگر حرفه ای و غیربازیگر در عامل دلبذیر بودن تفاوت وجود ندارد. بررسی های دقیقتر، تفاوت دو گروه بازیگر و غیربازیگر در صفات اعتماد، نودوستی و همراهی را آشکار می سازد. افراد غیربازیگر در صفت اعتماد و افراد بازیگر در صفات نودوستی و همراهی نمرات بیشتری کسب کردند. افرادی که نمره بالایی در مقیاس نودوستی می گیرند، توجه فعالی به دیگران دارند، خوشی را در بخشندگی می دانند، دیگران را در نظر می گیرند و دوست دارند به هنگام نیاز به دیگران کمک کنند. صفت همراهی، مربوط به ویژگی های رفتاری در برخورد های بین فردی است. افرادی که نمره بالایی در این مقیاس می گیرند، تمایل دارند به دیگران احترام بگذارند، پرخاشگری خود را پنهان کنند، بیخشنند و فراموش کنند، مردم را قبول می کنند و فروتن و ملایم هستند. به نظر می رسد این ویژگی ها با اعتقاد فروید مبنی بر اینکه برقراری ارتباط را والا ترین ارزش هنری می دانست، همسو باشند. همچنانکه کریس نیز به هنر به عنوان وسیله ارتباطی اشاره کرده است. مطالعات متعدد، عدم تفاوت بین افراد هنرمند و غیرهنرمند در عامل دلبذیر بودن را نشان داده اند که با نتیجه پژوهش حاضر در این زمینه، همسویی دارد.

نتایج بخش پنجم، نشان می دهند که بین افراد بازیگر حرفه ای و غیربازیگر در عامل با وجدان بودن تفاوت وجود ندارد. بررسی های بیشتر این امر، نشان می دهد که دو گروه بازیگر و غیربازیگر در صفات خویشتنداری و محتاط بودن در تصمیم گیری عامل با وجدان بودن، با یکدیگر متفاوتند. به صورتی که افراد غیربازیگر در مقایسه با افراد بازیگر، نمرات بیشتری در این صفات کسب کردند.

نواکوسکا و همکاران، به این نتیجه رسیدند که فارغ التحصیلان رشته های هنری در مقایسه با افراد عادی، در بعد با وجدان بودن نمرات کمتری کسب کردند. این یافته می تواند تا حدودی با یافته پژوهش حاضر مبنی بر پایین بودن نمرات افراد بازیگر در صفات خویشتنداری و محتاط بودن در تصمیم گیری، همسو در نظر گرفته شود.

محور دوم نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که بین زنان بازیگر و غیربازیگر در عوامل روان‌نژندگرایی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن تفاوت وجود ندارد. ولی بررسی‌های بیشتر در این زمینه آشکار می‌سازند که دو گروه زن بازیگر و غیربازیگر در صفات گروه‌گرایی، قاطع بودن، فعالیت، همراهی و تلاش برای موفقیت، با یکدیگر متفاوتند. زنان غیربازیگر در صفات قاطع بودن و فعالیت و زنان بازیگر در صفات گروه‌گرایی، همراهی و تلاش برای موفقیت، نمرات بیشتری کسب کردند. مردم گروه گرا، از جمع شدن با دیگران لذت می‌برند و هرچه جمع بیشتر باشد، آنها شادترند. صفت همراهی، مربوط به ویژگی‌های رفتاری در برخوردهای بین فردی است. افرادی که نمره بالایی در این مقیاس می‌گیرند، تمایل دارند به دیگران احترام بگذارند، پرخاشگری خود را پنهان کنند، ببخشند و فراموش کنند، مردم را قبول می‌کنند و فروتن و ملایم هستند. افرادی که نمره بالایی در مقیاس تلاش برای موفقیت می‌گیرند، سطح آرزوی بالایی دارند و خیلی سخت کار می‌کنند تا به اهداف خود برسند. این افراد سعی و هدفمند بوده، قدرت جهت‌دهی خوبی در زندگی دارند. از آنجایی که بازیگری، مستلزم شرایط کار گروهی، سخت‌کوشی، در نظر گرفتن دیگران بخاطر کسب احترام، محبوبیت، شهرت، ... می‌باشد، یافته‌های پژوهش در این زمینه، بر پیش‌بینی اخیر مهر تأیید می‌زند.

محور سوم یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین مردان بازیگر و غیربازیگر در عوامل روان‌نژندگرایی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن تفاوت وجود ندارد ولی در عامل با وجدان بودن تفاوت وجود دارد. مردان بازیگر در مقایسه با مردان غیربازیگر، نمرات کمتری در این بعد به دست آوردند. بررسی‌های دقیقتر این امر، تفاوت دو گروه مرد بازیگر و غیربازیگر در صفات اضطراب، آسیب‌پذیری، قاطع بودن، احساسات، عقاید، اعتماد، همراهی، دل‌رحم بودن، خوشتنداری و محتاط بودن در تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند. به نحوی که مردان غیربازیگر در صفات قاطع بودن، احساسات، اعتماد، دل‌رحم بودن، خوشتنداری و محتاط بودن در تصمیم‌گیری و مردان بازیگر در صفات اضطراب، آسیب‌پذیری، عقاید و همراهی نمرات بیشتری به دست آوردند.

همانگونه که قبلاً ذکر شد، مطالعه نوواکوسکا و همکاران نشان داده است که فارغ التحصیلان رشته های هنری در مقایسه با افراد عادی، در بعد با وجدان بودن نمرات کمتری کسب کردند. این یافته، با یافته پژوهش حاضر همسو می باشد.

نهایتاً، براساس نتایج محور چهارم، بین بازیگران زن و مرد در عوامل روان نژندگرای، برونگرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن تفاوت وجود ندارد. بررسی های عمیقتر در این زمینه نشان می دهد که دو گروه بازیگر زن و مرد در صفات نועدوستی و دلرحم بودن، با یکدیگر متفاوتند. بازیگران مرد در صفت نועدوستی و بازیگران زن در صفت دلرحم بودن عامل دلپذیر بودن، نمرات بیشتری کسب کردند.

## منابع

۱. گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰) رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز، نشر جامعه پژوه؛ دانیال.
۲. مای لی، ریچارد؛ ریتسو، پ (۱۳۸۰) ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت. ترجمه محمود منصور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پروین، لارنس (۱۳۸۱) روانشناسی شخصیت. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
۴. شولتز، دوآن؛ شولتز، سیدنی الن (۱۳۸۱) نظریه های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش.
۵. کریمی، یوسف (۱۳۸۲) روانشناسی شخصیت. تهران، نشر ویرایش.
۶. آیزنک، مایکل (۱۳۷۹) فرهنگ توصیفی روانشناسی شناختی. ترجمه علینقی خسرازی و همکاران، تهران، نشر نی.
۷. فتحی، طاهر (۱۳۷۴) بررسی ویژگی های شخصیتی دانشجویان رشته های هنری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۸. عناصری، جابر (۱۳۸۰) مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران، انتشارات رشد.
۹. اظهاری، علی (۱۳۷۹) روانشناسی هنرمند. تهران، انتشارات مسیر.
۱۰. هتور، لورنس (۱۳۵۱) روانکاوی و روانشناسی هنرمند. ترجمه پرویز فروردین، تهران، چاپخانه بهمن.
۱۱. گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۷۷)، هنجاریابی آزمون جدید شخصیتی نشو (NEO) و بررسی تحلیلی ویژگیها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاههای ایران، پایان نامه دکتر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۱۲. معنوی، عزالدین؛ فدائی، فرید؛ امیر خسروی، کریم (۱۳۶۳) هنر از دیدگاه روانپزشکی. تهران، انتشارات شرکت سهامی چهر.

## References

11. Nowakowska, C.; Strong, C.M.; Santosa, C.M.; Wang, P.W. & Ketter, T.A. ( 2004 ) Temperamental commonalities and differences in euthymic mood disorder patients, creative controls, and healthy controls. *Journal of Affective Disorders*.
12. Furnham, A.; Chamorro-Premuzic, T. (2004) Personality, intelligence, and art. *Personality and Individual Differences*, Vol.36, Issue 1, pp.705-715.
13. Burt, C. (1933) *the Psychology of Art*. In *how the mind works* (ch. 15). London: Allen and Unwin.
14. Furnham, A.; Walker, J. (2001) the influence of personality traits, previous experience of art, and demographic variables on artistic preference. *Personality and Individual Differences*, Vol.31, Issue 6, pp.997-1017.
15. Rawlings, D.; Barrantes-Vidal, N. & Furnham, A. (2000) Personality and aesthetic preference in Spain and England: two studies relating sensation seeking and openness to experience to liking for paintings and music. *European Journal of Personality*, Vol.14, pp.553-576.
16. Costa, P.T.Jr.; McCrae, R.R. (1988) Personality in adulthood: A six year longitudinal study of self-reports and spouse ratings on the NEO personality inventory. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.54, No.5, pp.853-863.
17. Costa, P.T.Jr.; McCrae, R.R. (1992) Four ways Five Factors are basic. *Individ. Diff*, Vol.13, No.6, pp.653-665.